

## عوامل اکتشافات جغرافیای اروپایی ها در قرن پانزدهم

### حفیظ اله رسولی

پوهندوی حفیظ الله رسولی، عضو کادر علمی دانشگاه جوزجان-افغانستان [Hafizullah.rasouly@yahoo.com](mailto:Hafizullah.rasouly@yahoo.com)

### چکیده

عصر اکتشاف که عصر کاوش و عصر اکتشافات جغرافیایی نیز نامیده میشود به دوره ای از تاریخ گفته میشود که از قرن پانزدهم آغاز و تا قرن هفدهم ادامه می یابد و طی آن اروپاییان از راه اقیانوس ها به جهت جستجوی کالاها یا شرکای تجاری سرزمین های جهان را جستجو و کشف می کنند، با سقوط مرکز امپراتوری روم شرقی (قسطنطنیه) به دست ترکان عثمانی در سال ۱۴۵۳ میلادی ارتباط غرب با شرق قطع گردید، نیاز جدی اروپاییان به کالاهای شرقی تقلا یافتن راه بدیل به سوی شرق را تسریع نمود و باعث شکل گیری تیم ها و گروه های اکتشافی شد که زمینه سازان این تیم های اکتشافاتی، دربار پرتغال و اسپانیا بودند که هر دو کشور نیز برای نیل به این هدف خویش ( یافتن راه جدید) باورمند به راهکارهای منحصر بفردی مبنی به دور زدن قاره آفریقا و حرکت به سوی غرب اقیانوس اطلس بود. نخستین سفر اکتشافی پرتگالی ها در سال ۱۴۱۸ انجام صورت گرفت که ابتدا کرانه های غربی آفریقا، جزایر مادیرا و جزایر قناری را اشغال کردند و بعد واسکو دی گاما با دور زدن دماغه امید نیک در سال ۱۴۹۷ به هند رسید، کرسف کلمب دریانورد ایتالیایی که مورد حمایت در بار اسپانیا و ملکه الیزابلا قرار داشت بعد از یک سفر طولانی و نفس گیر در سال ۱۴۹۲ موفق به کشف قاره جدید گردید، نظریه یونانی کرویت زمین در آن زمان به عقیده ای مورد قبول عام تبدیل شد. این نظریه به این تصور بدیهی انجامید که در نور دیدن اقیانوس اطلس به سوی غرب می توان به سواحل شرقی آسیا رسید و تجارت پرسود هند را از طریق دریا مستقیما به اروپا آورد به این ترتیب اروپاییان به ویژه اسپانیا و پرتغال به دنبال یافتن راههای برای دست یابی به هند بودند.

واژگان کلیدی: اکتشاف، رنسانس، فیودال، فردگرایی، دماغه، استعمار، سرف، میسیونر..

## ۱. مقدمه

اکتشافات جغرافیایی اهمیت بس مهم در تاریخ اروپا دارد که ضمن این اکتشافات جغرافیایی بود که نگاه قرون وسطایی اروپایی ها نسبت به زمین و احوالات آن متغیر گردید، به وسیله کشف و دست یابی آنان به سرزمین های جدید سرشار از منابع طلا و نقره، اقتصاد زراعتی اروپا دستخوش تحول ساخته و باعث گذار اروپا به مرحله صنعت و انقلاب صنعتی شد. در اثر صنعتی شدن اقتصاد، اضافه تولید به وجود آمد و برای فروش اضافه تولید بازار و برای چرخش دستگاه صنعتی نیز مواد اولیه و خام نیاز بود، بناء برای تامین و رفع این نیاز ها حلقه های بزرگ تجارتي میان سه قاره (اروپا، آفریقا و آمریکا) شکل گرفت که تحت نام مثلث تجارت در تاریخ یادآوری میگردد که شاخص مهم این مثلث، تجارت بی رویه انسان سیاه پوست (برده) بود که از آفریقا به منظور تامین مواد اولیه صنعت اروپا جهت کار در مزارع وسیع نیشکر، تنباکو و کاکو در منطقه حاره ای آمریکا برده می شد که این امر منجر به تلف شدن میلیونها انسان آفریقایی به وسیله کار طاقت فرسا و شاقه میگردد، حرص شدید و ثروت اندوزی اروپایی ها باعث افت ارزشهای انسانی و اخلاقی گردیده و کرامت انسانی سیاه پوستان به شدت پامال شد. درین رساله پیرامون عوامل و انگیزه های اکتشافات جغرافیای اروپایی ها در قرن پانزده به گونه مختصر و موجز بحث صورت گرفته و روشن میگردد که چه عواملی باعث شکل گیری جریان های اکتشافی گردیده و پای اروپاییان را به آنسوی اقیانوس ها کشانید و آنان را وادار نمود که با قبول خطرات بزرگ که گاهها به قیمت جان سر نشینان قایق ها میگردد دست به سفر در اقیانوس های بزرگ زدند، از اینکه اکتشافات به عنوان تخته خیز جوامع اروپایی از وضع قرون وسطایی به حالت مدرن و حد فاصل میان نگاه کلاسیک مبنی بر ارزشهای کلیسا محور و انسان محور میباشد نیازمند تحقیق بوده و خالی از مفاد نخواهد بود. مقاله تحقیقی دارای یک سلسله اهداف روشن و معین می باشد، از این رو بنده رساله تحقیقی خویش را تحت عنوان (عوامل اکتشافات جغرافیایی اروپایی ها در قرن پانزدهم) روی اهداف ذیل به رشته تحریر در آوردم.

۱. بررسی عوامل اقتصادی، دینی، علمی و انسانی اکتشافات جغرافیایی

۲. تاثیر رنسانس و بیداری عمومی در شکل گیری اکتشافات

۳. رابطه اکتشافات و استعمار

۴. نتایج و پیامدهای اکتشافات

## سوالات تحقیق:

۱: چرا توسعه نفوذ اروپا در دوران رنسانس عملی شد و نه قبل از آن؟

۲: چه تحول ذهنی و شرایط اجتماعی موجب ماجراجویی اروپایی ها در ماورای بحار شد؟

۳: چرا سفر کلومبوس به سفرهای متعدد دیگر انجامید؟

۴: چرا اروپایی ها بودند و نه آسیایی ها که چنین به اکتشافات دست یازیدند؟

## روش تحقیق:

تحقیق حاضر پیرامون عنوان فوق الذکر به شیوه تحلیل اسناد و مروری کتابخانه ای صورت گرفته است.

## جستارگرایی

در همان زمانکه اروپا در اثر نیروی رنسانس و اصلاح خواهی متغیر شد، دریانوردان جسور به اکتشافاتی اقدام کردند که فراتر از تصور و تخیل بود، در عهد اکتشافات بزرگ (۱۴۱۵-۱۶۲۰) ناخدایان اروپایی راه دریایی هند را با طی کردن دورا دور آفریقا یافتند. دنیای نوینی را در آن سوی اطلانتیک کشف کردند، و برای بار نخست کره زمین را دور زدند، کشورهای اروپایی شروع به تصرف سرزمینهای در هزار مایل فاصله کردند، و آن سرزمین ها مستعمره خود ساختند. عهد اکتشافات در قرن نوزدهم اروپایی ها را قادر به سلطه بر قسمت اعظم کره خاک کرد، عهد اکتشافات بیشتر مردم را به پذیرش راه زندگی و نفوذ اروپاییان، که تا به امروز همچنان پایدار مانده است، وا داشت.

در اروپا سفر کردن تازگی نداشت، بازرگانان از مدتها قبل راه های کاروان رو به سوی آسیا را می شناختند. ویکینگ ها احتمالا در قرن یازدهم به آمریکای شمالی رسیده بودند. آن مسافرتها اثر پایداری برای جوامع اروپایی نداشت. متصرفات و مستعمرات پیامد آن نبود. فقط در جنگهای صلیبی تصرف فلسطین عملی شد که در پایان قرن سیزدهم بار دیگر مسلمانان باز پس گرفتند و اروپاییان را به کشور های خود باز گردانند.

پس از آنکه کلمبوس بنا بر اتفاق آمریکا را در پایان قرن پانزدهم کشف کرد، اروپا مستعمره کردن سرزمینهای گسترده ای را در اغلب نقاط کره خاک آغاز کرد. علل عهد اکتشافات را باید در :

۱: حرص برای توفیق بازرگانی

۲: کوشش برای توسعه مسیحیت

۳: پیشرفت درجهت یابی و کشتی سازی

۴: جستجو برای پیروزی و ماجراجویی دانست.

**عوامل که به عهد اکتشاف کمک نمود.**

**حرص برای توفیق بازرگانی مسافران را به اکتشاف ترغیب کرد.** پرتغالی ها پیشرو در مسافرتها اکتشافی بودند. آنان بیش از هر چیز خواستار ثروت بودند، بخاطر کسب ثروت پرتغالی ها و دیگر اروپاییان به مسافرتها طولانی دریایی می رفتند. کشتی های پرتغالی بطرف جنوب در امتداد ساحل مدام بیشتر پیش رفتند. در قرن پانزدهم تجارت مورد توجه آنها ماهی، عاج و طلا بود. آنها همچنان جوایب برخوردار شدن از امتیازات بیشتر بودند، می دانستند که در تجارت با آسیا میتوانند ثروتی کلان به دست آورند. چون در اروپا احشام به فصل خزان کشتار می شدند. نیاز به ادویه آسیایی برای محفوظ نگهداشتن گوشت از فساد و حفظ قابلیت خوردن آن تا بهار بعد، می بود. اگر گوشت با دانه فلفل یا گل میخک، که از آسیا به اروپا می آمد، آماده نمی شد، فاسد می گشت، در آن زمان مسلمانان بر بازرگانی منطقه ای وسیع بین مصر و چین و از تیمبوکتو در آفریقا تا رود ولگا در روسیه مسلط بودند. در اروپا و نیز از موقع انحصاری مهمی در بازرگانی با مسلمانان برخوردار بود. کالای شرقی از طریق ونیز به سایر نقاط اروپا وارد می شد. پول طلای کمیاب اروپایی به جیب بازرگانان ونیزی و مسلمانان سرازیر می شد. پرتغالی ها امیدوار بودند که بتوانند این انحصار عربی- ونیزی را بشکنند و با یافتن راهی به اقیانوس هند، مستقیم با آسیا مرتبط شوند بعضی معتقد بودند که میتوان با دریانوردی به طرف جنوب شرقی و دورزدن آفریقا به اقیانوس هند رسید، چند نفری هم باور داشتند که با کشتی رانی به سوی شمال شرقی و از طریق اقیانوس منجمد به شرق برسند. خواستار ادویه، طلا و سایر کالای شرقی، سلاطین اروپایی و بازرگانان از اکتشافات در ماورای بخار پیشتانی کردند.

بازرگانان از سفرهای اکتشافی پیشتانی کردند. عهد اکتشافات به علت پیدا شدن گروه بازرگانان پرکار ممکن گشت. این بازرگانان اکتشافی را ترتیب میدادند که دریاها را برای یافتن بازار و سود جستجو میکردند. همانند اربابان فیودال، این بازرگانان هم قادر به استفاده از قهر برای حفاظت از منافع خود بودند. چنان قدرتمند شدند که در دوران رنسانس، قبل از آنکه پرداخت مالیات را بپذیرند، از سلطان برخی امتیازات را دریافت میکردند. در شهرهای فالاماند، و انگلیس پسران بازرگانان و دختران آنان با اشراف زادگان ازدواج میکردند. در لیسبون (پرتغال)، فلورانس (ایتالیا)، بریستول (انگلستان)، بازرگانان خود را دیگر خدام فرمانروا نمی دانستند، بلکه شریک ثروتمند سلطانی فقیر می پنداشتند.

اهداف مسیحی اکتشافات را ترغیب کرد: خواست برای اشاعه مسیحیت هم اروپایی هارا در اتلانتیک به سفر های اکتشافی فرستاد. اسپانیای کاتولیک و بخصوص پرتغال باور داشتند که این " تکلیفی خدایی " است که آفریقایی ها و آسیایی کافر را مسیحی کنند. ورود اسپانیایی ها و پرتغالی ها به آمریکا قلمروی وسیعی را برای انجام این تکلیف عرضه داشت.

هدف مسیحیان در ضمن یافتن پرسترجان هم بود؛ یک مسیحی اسطوره ای که گفته میشد جایی در " هند " زندگی میکند. پرتغالی ها امیدوار بودند از کمک او بهره مند شوند و جنگی دینی را علیه مسلمانان آغاز کنند.

بریتانیای ها میسیونرهای مذاهب مختلف را تشویق کردند تا با تشکیل جوامع میسیونری بین "کفار" دانش انجیلی و روش شخم زدن را اشاعه دهند. باور داشتند که حضور اروپایی ها در آفریقا منافع متعددی خواهد داشت میسیونرها مسیحیت را می آموختند و خواندن و نوشتن را تشویق میکردند. فزون بر این، آفریقایی های گرویده به مسیحیت را میشد آموزش داد تا غله صادراتی کشت کنند که برای کشور مادر مفید می بود. (تاریخ جهان، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۴۷).

**پیشرفت در دانش فنی و در جهت یابی سفرهای طولانی را ممکن ساخت:** عهد اکتشافات با پیشرفت در ساخت کشتی ها، تجهیز آنها با توب و گسترش دانسته های جهت یابی، ممکن گشت. از دوران رومی ها کشتی ها و تجهیزات تسلیحاتی آن بسیار کم تغییر کرده بود. سپس در قرن پانزدهم کشتیهای پارویی با کشتیهای بادبانی جایگزین شد، و توپها جای دژ کوبها را گرفتند. نه بادبان و نه باروت هیچ یک نو یافته نبود. در منطقه مدیترانه و در اقیانوس هند کشتی های تجاری همیشه بادبان داشتند. در دوران رنسانس گلوله های آهنی رها شده از توپها در جنگهای زمینی معمول بود. برای جنگ دریایی، قدرتهای دارای نیروی دریایی، کشتی های پارویی داشتند، کشتیهای طویل که پاروزنان آنرا می راندند. فرمانده کشتی میکوشید تا کشتی خود را بر دشمن بزند و آن را غرق کند، یا بر کشتی دشمن رود و روبرو بجنگد، با بکارگیری کشتی های بادبانی مجهز به توپ، کشتی ها توانستند از ساحل دور شوند و در پهنه دریا پیش روند؛ این کشتیها تسلیحات سنگین داشتند، ولی سرنشینان آنها کم بود. این نوآوریها که سریع توسط پرتغالی ها اقتباس شد، بسیار اهمیت یافتند. بزودی کشتی سازان پرتغال کشتیهای ساختند که برای سفر دریایی مناسب بودند، میتوانستند در تند باد های هراسناک جنوب اتلانتیک پایدار بمانند. این کشتی ها در ضمن بهتر از کشتی های دشمنان فرمان می بردند، و اندازه بزرگتر موجب میشد، برابر فشار پس زدن توپها مقاوم بمانند. این پیشرفتهای در دانش فنی کشتی سازی همراه شد با بهبود های در زمینه جهت یابی دریانوردان آموختند که سمت حرکت خود را با در نظر گرفتن پیراهور خورشید، شمال یا جنوب استوار به هنگام ظهر مشخص میکردند، و دانسته های جهت یابی با بکارگیری قطب نمای ناوی، بیش از آن پیشرفت کرد.

در میان دلایل متعددی که ممکن بود در این خصوص وجود داشته باشد، بهبود در طراحی و ساختمان کشتی ها را میتوان کمک موثری دانست که اروپا را برای تقبل نقش جدید در جهان آماده نمود. در سال ۱۳۰۰ اروپاییان از سکان پشتی در استفاده از بادبانهای بهتر افزایش یافته بود. در سال ۱۵۰۰ دندانهای ضخیم شناورهای قرون وسطی در اروپای شمالی جای خود را به بادبانهای مختلط سه ستونه داده بود که بعضی از آنها به دکل های چهارگوش و برخی دیگر به دکل هایی که از نوک تا انتهای کشتی کشیده شده بود مجهز بودند. (تاریخ تحلیلی جهان، ۱۳۹۵، ص ۴۶۴).

**روحیه ماجراجویی رنسانس اکتشافات را مشوق بود:** روحیه های نا آرام دوران رنسانس موجب ظهور عهد اکتشافات شد. رنسانس عصر فردگرایی بود، در این عصر انسانهای که عادی و معمولی نبودند خواستار ماجراجویی و هیجان بودند. نا خدایان دریا نورد که در پهنه اقیانوسها پیش می رفتند، سرزمینهای را کشف کردند که برای گزشتگان نا آشنا بودند؛ سربازانی که قلمروهای گسترده ای متصرف می شدند این گونه مردان به علت کنجکاوی، خواست پیروزی، امید به شهرت چنین بی پروا رفتار میکردند. این روحیه ماجراجویی که در قرن پانزدهم اروپا را متفاوت از چین می ساخت، از علل ترغیب کننده اکتشافات بود.

**چینی ها محرکی برای انجام هنر های اکتشافی نداشتند:** در قرن پانزدهم چین از اروپا ثروتمندتر بود، در دانش فنی کشتی سازی و مهارت فنی به مراتب پیشرفته تر بود. در قرن چهاردهم چینی ها از ژاپن تا شرق آفریقا بر دریا مسلط بودند. امپراتور جاه طلب، جنگهای (کشتی بادبانی چینی) بخوبی مجهز خود را برای انجام ماموریتهای دیپلماتیک به کشور های ساحل اقیانوس هند می فرستاد. اولی به کالیکوت هند در ۱۴۰۷ رسید، بعد ها از بنادر خاورمیانه ای هرمز و عدن باز دید کرد، حتی به مالندی در شرق آفریقا هم رفت. این سفر دریایی آزمونی بود بر اینکه چینی ها قادر به انجام سفرهای دریایی با کشتیهای بادبانی بودند و بر دانش جهت یابی هم واقف بودند. پس چرا، آنها دماغه امید را دور نزدند و خود را به سواحل غربی آفریقا نرساندند؟ دلیل اصولی به نظر چنین می نماید که امپراتور چین نه خواستار بازار جدید بود نه میخواست دینی را اشاعه دهد. او خواستار دریافت

خراج و به دست آوردن کالای نادر بود. بازرگانان او کالای تجملی از قبیل پر شترمرغ، زرافه، گورخر آفریقای و نظایر آنرا خریداری میکردند. بدین علل "جونگ هارا" کشتی های جواهر نامگذاری میکردند. محموله نادر آن برای فروش نبود. فقط بازیچه ای سرگرم کننده برای تعدادی از گزیدگان دربار امپراتوری بود. این نوع بازرگانی در کسب و در روش زندگی زارغانی که در دهکده های امپراتوری می زیستند، اثری نداشت در چین کسیکه تقاضا کننده کالای بیگانه نبود. فزون بر این مالکان چینی و ماندارین ها بازرگانان را کمی بهتر از زارغان می دانستند. در نتیجه بازرگان چینی محرکی برای رفتن به دریاهای بیگانه به خاطر تجارت نداشت. اقتصاد چنین تثبیت شده و خود کفا باقی ماند.

امپراتوری های بعدی چین علاقه ای به ترتیب دادن سفرهای دریایی در اقیانوس هند نداشتند. بر قلمروی عظیم امپراتورهای چینی برای خود تکلیف دینی اشاعه اعتقادات قایل نبودند. وقتی چین انزوای خود در خشکی بازگشت، سلطه بر اقیانوس هند نصیب اعراب ( و پس از کوتاه مدت پرتغالی ها) شد.

### توسعه پرتغالی ها در آفریقا و هند:

شاهزاده هنری پرتغال سفرهای اکتشافی را تشویق میکرد. " طلا، پیروزی و خدا" شعار عهد اکتشافات ۱۶۲۰-۱۴۱۵ بود. این عهد در ۱۴۱۵ با تصرف شهر شمال آفریقای سیوتا، توسط پرتغالی ها آغاز و به اوج خود زمانی رسید که راه دریایی به غرب و شرق هند یافته شد، و تا زمانی که اروپایی ها اقامت گزیده در مستعمرات آفریقای، آسیایی و آمریکایی تکامل اقتصادی را آغاز نکردند، پایان نیافت.

شاهزاده هنری پرتغال شخصیت شهیر عهد اکتشاف بود. خودش دریانورد نبود، با وجود این شخصیتی بود که عصری را آغاز کرد که ویژگیهای آن اعمال جسورانه و تشکیل موسسات عظیم تجاری بود. سیاست ناوگان دریایی او هدف گسترش اقتصادی و اشاعه دینی در ماورای بحار را دنیا میکرد.

با تصرف شهرهای مسلمان نشین سیوتا، مردان هنری بیش از هزار مسیحی برده را آزاد کردند. هنری متاثر از این رویداد مصمم شد، زندگی خود را وقف تصرف تمامی مناطق مسلمان نشین آفریقا به دست کاتولیک های پرتغالی کند.

در سیوتا، هنری منبع طلای آفریقا را شناخت. پیش از آن اروپایی ها باور کرده بودند که بازرگانان عرب طلا را از هند با کشتی به آفریقا می آورند. در سیوتا پرتغالی ها آگاه شدند که کاروانهای شتر با گذر از صحرای شن طلا را از تیم بوکتو می آورند. از آنجا که عرضه طلا و نقره در اروپایی قرن پانزدهم بسیار کم بود، پرتغالی ها خواستار شناختن منبع اصلی طلای آفریقای بودند. طلا ناخدایان شاهزاده هنری را تطمیع کرد و آنان را مدام بیشتر به طرف جنوب در امتداد ساحل غربی آفریقا کشاند. پرتغالی ها ضمناً میخواستند که با سلطه مسلمانان ونیزی ها بر جاده زمینی حمل و نقل ادویه مقابله کنند. غلیق اقتصادی یافتن راهی تمام آبی به شرق را ایجاب میکرد.

### شاهزاده هنری پیشرفت در علم دریانوردی را تشویق میکرد: در آن زمان پرتغال از هر کشور دیگری در اروپا با

ثبات تر بود. در راس جنوب شرقی کشور، شاهزاده هنری یک ایستگاه دریایی بنام سگریش بنا کرد. ناخدایان ایتالیایی و یهودیان ستاره شناس از منطقه مدیترانه به سگریش آمدند. دریانوردان باسک که با آبهای اتلانتیک آشنایی کامل داشتند، دانشمندان عرب و سربازان پرتغالی شاهزاده هنری درباره ستاره ها و جریان باد ها و تندباد ها مطالعه میکردند. نقشه کشی های او با استفاده از تمامی این اطلاعات نقشه های محرمانه از وضع آبهای ساحلی آفریقا رسم کردند. این نقشه ها و اطلاعات نموداری، به دریانوردان پرتغالی امکان میداد که با اطمینان دور از دید خشکی پیش روند. شاهزاده هنری خودش هرگز به سفر دریایی نرفت، ولی موفقیت هایش و پیشرفتهایش در فن دریانوردی، موجب شد که خبرگان دریانورد انگلیسی به او عنوان " دریانورد" بدهند. علاقه او به پژوهشهای دریانوردی موجب شد که سلطان نشین کوچک پرتغال از تمامی کشورهای ثروتمندتر اروپایی در یافتن راه دریایی هند-جاده پرسود ادویه- پیشی کرد.

## پرتغالی ها و آفریقا

شاهزاده هنری به پرتغال مزیتی داد که دیگر کشورهای اروپایی از آن برخوردار نبودند؛ دست یابی به دو سازمان بسیار سودمند- مراکز تجاری و کشتزارهای بزرگ این دو سازمان بنیان اقتصادی امپراتوری دریانورد پرتغال شدند. با تفاوتی هردو سازمان در آفریقا، آسیا و آمریکا توسط قدرتهای استعماری که از پرتغال پیروی کردند، ایجاد شدند.

مراکز تجارتی دایمی و کشتزارهای بزرگ امپراتوری را بنیان گذارند. در هرمنطقه ای که تعداد قابل ملاحظه ای آفریقایی زندگی میکردند، پرتغالی ها یک مرکز تجارتی تأسیس و از آن مسلحانه حفاظت کردند. این مراکز تجارتی دایمی امکان ذخیره کردن مطمئن کالای آفریقایی تا رسیدن کشتیههای پرتغالی را عرضه میداشت. در مراکز تجاری کالا به آفریقایی ها فروخته، یا با کالای آفریقایی معاوضه میشد؛ پرتغالی ها در عوض تولیدات آفریقایی خاص منطقه را دریافت میداشتند. روغن، نخل، برده و بخصوص طلا.

سالها بود که نیشکر را در مناطق حاره ای آسیا با کمک کار بردگان کشت میکردند. در خاور نزدیک صلیبیون مسیحی بقدراز طعم شکر خوششان آمد که بزودی شکر در سراسر اروپا به عنوان دارو فروخته شد. برای تامین تقاضای فزاینده، پرتغالی ها روش کشتزارهای بزرگ را ابداع کردند، که موجب فزونی قابل ملاحظه عرضه شکر شد. روش کشتزارهای بزرگ تاثیر قاطع اقتصادی و اجتماعی در سراسر جهان داشت. در جزیره بدون ساکن مادیرا ۱۴۲۰ در مراکش و سویون تومه ۱۴۹۰ در ساحل غربی آفریقا، پرتغالی ها مزارع را یکپارچه کردند، در هکتار ها زمین نیشکر کاشتند، آسیابی ساختند و از گاو نر برای چرخاندن آسیاب استفاده کردند. بریدن نیشکر کاری بسیار سخت است و ظرف بیست و چهار ساعت از زمان بریده شدن باید شیره نی افشرد و پخته شود. برای انجام چنین اعمال سریع، صاحب کشتزار آورد، به آنان لباس و غذا داد، تشویق به ماندن کرد، همانند مراکز تجاری، کشتزارها هم نیاز به مبلغ قابل ملاحظه ای پول نقد داشتند. از آنجا که سود فروش شکر در اروپا در حال افزایش بود، در برازیل ۱۵۲۰ و جزایر کارایب ۱۶۵۱ این نوع کشتزارها ایجاد شد. فقط کمبود کارگر مانع گسترش بیشتر کشتزارها در مستعمرات بود. این مشکل با به کارگیری کار بردگان تا حد زیادی از بین رفت.

طبیعت بردگی تغییر کرد. رشد بردگی در ۱۴۴۳ تأثیر مهمی بر بازرگانی داشت. در ۱۴۴۱ یک ناخدای پرتغالی به بندر پرتغالی لگوش بازگشت؛ ده برده آفریقایی همراه آورده بود. شاهزاده هنری بر حراج ۲۳۵ برده سیاه نظارت کرد. این برده ها مسیحی شدند، از مختصر آموزشی برخوردار گشتند، در آن زمان احتمالاً جذب زندگی پرتغالی شدند.

گرفتاری سیاهان آفریقایی توسط پرتغال و فروش آنان در اروپا به عنوان برده در تاریخ برده داری نقطه عطفی بود. برده داری در آفریقا و آسیا از قرنهای پیش وجود داشت. با آنکه برده داری جدید نبود، پس چرا تاریخ ۱۴۴۳ تا بدین حد مهم است؟

**۱- طبیعت کاربرده ها تغییر کرد.** در اروپای غربی قرون وسطی سرف ها معمولا کار های سنگین را در مزارع انجام میدادند. بردگان بیش از آن که نگران کارآمدهای خود بودند که حاضر شوند نیروی خود را صرف کارهای سخت کنند. به عنوان خادم، سلمانی، موسیقی نواز کارهای سهل خانه داری را انجام میدادند. پس از ۱۴۴۳ بردگان مدام بیشتر به کارهای سخت در کشتزارهای نیشکر مجبور شدند

**۲- بر حجم بازرگانی برده بسیار افزوده شد.** کشاورزی کشتزارهای بزرگ از مدیترانه به مناطق حاره ای آفریقا، آسیا و آمریکا رفت. از کار سیاهان برای افزودن مداوم بر زمینهای زیر کشت، نه فقط برای کشت شکر، بلکه همچنین برای کشت کاکو، توتون، قهوه استفاده شد. بردگان سیاه در معادن طلا و الماس هم کار میکردند. از ۱۴۴۳ تقاضا برای برده فزونی یافت؛ تا ۱۸۵۰ احتمالاً ده میلیون آفریقایی از موطنشان ربوده شدند و زنجیر شده به ماورای بحر منتقل گشتند.

**3: وضع اجتماعی بردگان به زیان آنان تغییر کرد.** تا ۱۴۴۳ یک انسان آزاده ممکن بود برده شود، یا به علت جنگهای دینی یا به علت بد آوردن در اقتصاد شخصی مسیحیان و مسلمانان برده داری را وضعی قانونی میدانستند، که میتوانست با پرداخت فدیة و یا بخشیدن آزادی تغییر کند. برده لزوماً از نظر ظاهر خود با آزاده ها تفاوت نداشت، بلکه به هر نژادی وابسته میبود،

احتمالا به خدایی متفاوت از خدای اربابش اعتقاد داشت. برده معمولا غنیمت جنگی بود که به نام دین انجام شده بود. در انجیل و در قرآن تردیدی درباره حقانیت برده داری عنوان نشده است. در واقع مسیحیان بودند که بعدها در سطحی بسیار گسترده برده داری را در دنیای جدید رواج دادند. لکن پس از ۱۴۴۳ اروپایی ها کم کم برده داری را فقط مرتبط با باورهای دینی ندانستند، بلکه آنرا به تولد درآفریقا مربوط ساختند. این عقیده پذیرفته شد که آفریقایی های سیاه پوست برای برده شدن متولد شده اند. عدم تساهل دینی قرون وسطی ای به پیش داوری نژادی نو یافته تبدیل شد.

**4: رویه برده داری اروپایی بطور فزاینده مخرب شد.** پس از ۱۴۴۳ اروپایی ها اسلحه را در ازای برده عرضه داشتند و جنگ بین ایلات آفریقای را ترغیب کردند بنابر مثال در ۱۴۵۵ پاپ به پرتغالی ها رخصت داد تا یورش برند و به بردگی دایمی برند، کافران {مسلمانان} و حشی را، مشرکان را و دیگر دشمنان مسیح را در سراسر ساحل گینه آ " پاپ فزون بر این به پرتغال انحصار بازرگانی طلا، عاج و برده را واگذار کرد، تجارت برده منبع مهمی برای درآمد ایلات ساحل نشین آفریقای شد. جنگ برده گیری و تجارت برده به دهکده های درون قاره سرایت کرد، و جوانان این دهکده هارا هم گرفتار ساخت.

**5: کوشش میسیونری فقط تا حدی موفق بود.** پرتغالی ها در استقرار میسیونرها در آفریقا آنچنان موفق نبودند که در استقرار مراکز بازرگانی و تأسیس کشتزارهای بزرگ موفق بودند. چون بیماریهای مناطق حاره تعداد زیادی از راهبان سفید پوست اعزامی را، که قرار بود " مشرکان " را برای پیوستن به مسیحیت تبلیغ کنند، می کشت. احتمالا برای اروپایی ها تجارت " عاج سیاه " ( برده ) به مراتب مهمتر از هدف میسیونرها بوده است. بخاطر تجارت برده، آفریقایی ها ترس از اروپایی ها و نفرت از آنان را آموختند.

## پرتغال و هند

**۱۴۸۸، دیاش تا اقیانوس هند پیش میرود.** پرتغالی ها ۶۸ سال در امتداد ساحل آفریقا کشتی رانی کردند، تا در نهایت راه رسیدن به هند را یافتند. در ۱۴۸۸ یک تند باد آتلانتیک کشتی اکتشافی بارتولومی دیاش را از دماغه قاره آفریقا گذراند. چندین روز بعد، وقتی ناویان خسته و ترسیده بار دیگر خشکی دیدند- ولی با توجه به اینکه خورشید در سمت راست آنها طلوع کرد و نه در سمت چپ- درک کردند که به اقیانوس هند وارد شده اند و به طرف شمال در امتداد ساحل شرقی آفریقا حرکت میکنند. دیاش این دماغه را " دماغه طوفان خیز " سلطان او، شادمان از شنیدن گزارش دیاش، به دماغه نام امروزی آن را داد و آن را دماغه امید نیک خواند.

**۱۴۹۸: واسکو دی گاما به هندوستان رسید.** کشف دیاش و شناخت دماغه امید نیک پرتغالی هارا تشجیع کرد تا واسکو دی گاما را برای یک ماموریت دیپلماسی به هند بفرستد. ناوگان دی گاما در واقع یک گروه بازرگانی جنگی بود. سه کشتی جمعا با بیست توپ کوچک مجهز بودند؛ یک کشتی تدارکات را حمل میکرد. برآورد ناویان از ۱۷۰ تا ۳۲۰ توفیر دارد. سفر دی گاما از جزیره دماغه ویردی تا جنوب آفریقا هراسناکترین سفر دریایی در طول قرون بود. گذر از ۳۸۰۰ پیدرو کابرال با ناوگان خود انجام داد و به ساحل برازیل رسید.

دی گاما در مدت چهارده روز خشکی نمی دید. در نوامبر ۱۴۹۷ ناوگانش لنگر انداخت، شگفت آنکه دقیقا در فاصله ۱۰۰ مایلی دماغه امید نیک لنگر انداخته بود. از دور زدن دماغه دی گاما به سمت شرق پیش رفت، پس از آنکه به طرف شمال، طولی نکشید که مناره های سفید پوش خانه موزامبیک را دید. ناوگانش به منطقه پیشرفته فرهنگی شرق آفریقا رسیده بودند. گرچه بازرگانان عرب کالای تجاری پرتغالی هارا بی ارزش شناختند، شهروندان با آنان رفتاری خوش داشتند تا آنکه آگاه شدند، نوآمدگان مسیحی هستند.

دی گاما از این اقبال برخوردار بود که ابن ماجد، برجسته ترین ناخدای عرب آن روزگار به خدمت او درآمد. او ناوگان پرتغالی را از اقیانوس هند گذراند و به کلیکوت ( کوژیک امروزی ) شهری در ساحل مالابار هندوستان، که پرتغالی ها از ۱۴۲۰

امیدوار رسیدن به آنجا بودند، رساند. در اینجا بود که دی گاما احتمالاً معروفترین جمله عهد اکتشافات را بیان داشت: " ما برای یافتن مسیحیان و ادویه آمدیم." به عنوان سفیر سلطان اسپانیا، دی گاما،

### سفرهای اکتشافی اسپانیایی ها

کریستوفر کلمب از اولین سفر او در ماه مارس ۱۴۹۳ بازگشت، با کشف دنیای جدید ... اگر چه او آن را نمی دانست. او هنوز معتقد بود که او جزیره های ناشناخته ای را در نزدیکی ژاپن یا چین پیدا کرده بود و اکتشاف بیشتری لازم بود. اولین سفر او کمی ناامید شده بود، زیرا او یکی از سه کشتی را که به او تعلق داشت، از دست داده بود و او را در راه طلا یا دیگر وسایل با ارزش ندیده بود. با این همه هنوز او به هند نرسید. <https://fa.eferrit.com/%D8%B3%D9%81%D8%B1>

اسپانیا، که به تازگی آخرین استحکامات مورهارا در خاک اسپانیا تصرف کرده بود، به پیشنهاد کلمبوس اظهار علاقه کرد تا با آن از طریق غرب به هند برود، در ششم سپتامبر ۱۴۹۲ جزایر کناری را ترک کرد و در امتداد منطقه بادهای بازرگانی، که از سفرهای آفریقایی با آن آشنا بود، پیش رفت. پس از یک ماه برخوردار بودن از هوای خوب و حرکت وسیع، دیگر خشکی دیده نشد. در صبح زود روز ۱۲ اکتبر نگهبان مستقر در چنیتا صخره ای از سنگ سفید دید که در نور ماه درخشان می نمود و فریاد زد " تیرا، تیرا" این خشکی که نگهبان از محل دیدبانی خود دیده بود، جزیره مرجانی وتلینگ است که طول آن سیزده مایل و عرض آن شش مایل است. از ساکنان خوش برخورد، که پوستی به رنگ مس داشتند، کلمبوس شنید که در سمت جنوب یک کشور ثروتمند وجود دارد (احتمالاً کوبا). کلمبوس بر این باور بود که در آن کشور ثروتمند با خان اعظم ملاقات خواهد کرد. برای خان اعظم نامه ای از ایزابلا همراه داشت.

**دنیای غیر مسیحی بین پرتغال و اسپانیا تقسیم میشود.** کلمبوس برای آنکه به ملکه بقبولاند که به هند رسیده است، تعدادی از آدمهای را باخود به اسپانیا برد که شباهتی به مردم شرق داشتند. طبیعی بود که آنها را هندو بنامد ملکه فوراً برده کردن آنها را محکوم کرد، اما شادمانی خود را از اینکه " دریا دار دریای اقیانوس" راه آبی هند را یافته است، بروز داد. وقتی حکمفرمایی اسپانیا این خبر را به اطلاع پاپ الکساندر ششم رساند، پاپ سریع تمامی سرزمین های تا کنون کشف شده را، و سرزمین های که از آن پس در طریق هند کشف شود را، به حکمفرمایی اسپانیا واگذار کرد. سلطان خوان پرتغال، اسپانیا را تهدید به جنگ کرد؛ از آن بیم داشت که پاپ اسپانیا امتیازاتی برتر از امتیازات اسپانیا بدهد. به سال ۱۴۹۴ در توردیسیاس دیپلماتها با خط تقسیمی که از ورای غربی می گذشت، موافقت کردند. قرارداد توردیسیاس دنیای غیر مسیحی را به مناطق نفوذ اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد.

غربی ها کلمبوس را نخستین مسافر ماورای آتلانتیک، و سفر او را مهمترین سفر در تاریخ بشر میدانند. این سفر بازرگانی و نفوذ اروپایی هارا در اقلیمی ناشناس که بزودی دنیای جدید نامیده شد، گسترش داد.

**۱۵۱۹-۱۵۲۲: ناوگان ماژلان کره زمین را از راه دریا دور زد.** پس از کلمبوس دریانوردان دیگر با پرچم اسپانیا به اکتشاف غرب پرداختند. یکی از این سفرهای اکتشافی به فرماندهی دریانوردی پرتغالی بنام فردیناند ماژلان، دورادور دنیا را پیمود. سفر مشهور ماژلان بمراتب مشکلتر و شکوهمندتر از سفرهای کلمبوس و دی گاما بود. ماژلان گرفتار همان تخیلی بود که بسیاری از دریانوردان زمان گرفتار آن بودند: خلیج با رودی در ساحل شرقی دنیای جدید باید وجود داشته باشد که به غرب و به سمت هند رود. <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/26187>

در سپتامبر ۱۵۱۹ پنج کشتی ناوگان ماژلان از سیویل در اسپانیا، با چند صد نفر سرنشین حرکت کردند. پس از کشف دهانه رود پلاتا بین آرژانتین و اروگوای امروزی، ماژلان چندان پیشرفت تا با شورش ناویان معذب از سرما و نگران از تندبادهای آتلانتیک جنوبی مواجه شد. ناوگان آب گرفته آنها در عرض جغرافیایی ۵۰ درجه، حدود ۲۰۰ مایل فاصله از دماغه امریکایی جنوبی، گرفتار هوای زمستانی شد. در این محل آنان آمریندین ها(هندوهای آمریکایی) را دیدند که بسیار بلند قامت بودند و اروپایی ها آنها را پتاگنین " پاگندها" نامیدند. زمانی که عاقبت بهار فرا رسید، سه کشتی ناوگان ماژلان همچنان به طرف جنوب پیش رفتند،



به جایی رسیدند که شبها فقط سه ساعت بود. با کارآمدی بسیار و برخورداری از اقبال، از تنگه ای صخره ای و پرپیچ و خم که نام ماژلان را بر آن نهادند گذشتند. با گذشتن از تنگه به " دریای بزرگ جنوب " رسیدند.

### ارثیه اکتشافات و گسترش بازرگانی

۱: **گسترش بازرگانی** . اروپا گستردگی عظیم فعالیت کسبی را عملی کرد. عرضه پول افزایش یافت، بازرگانی گسترده شد، موسسات کسبی بزرگ (شرکتهای مشارکتی) تأسیس شدند. تمام این تکامل به رشد سرمایه داری انجامید. این گستردگی کسب تا حدی متکی به اکتشافات و بدرفتاری با مردم آفریقا، آمریکا و آسیا بود. مورخ فرانسوی "اونری سی" می نویسد. تجارت برده را هر اندازه که هم منفور می بود، باید تجارتی بسیار سودآور دانست. بنابراین یکی از منابع مهم سرمایه داری بود.... به حق اقتصاد دان قرن نوزدهم ( لومبا میگوید: « ما ثروتمندتر شدیم. چون نسل های کامل از تمامی ملتها به خاطر ما مردند تا قاره ما تکامل یابد.

شواهدی انکار ناپذیر نشان میدهند که اقتصاد مستعمراتی و اکتشاف جوامع بدوی در جریان یافتن ثروت به سوی اروپا نقش اساسی داشته اند.

۲: **جابجا شدن مراکز کسب**. به پیامد باز شدن راه بازرگانی جدید در عهد از دست دادند. کشورهای اروپایی ساحل اتلانتیک ثروتمندتر شدند، و از اهمیت اقتصادی شهر دولتهای ایتالیایی کاسته شد. اولین سودبران راه های جدید اقتصادی پرتغال و اسپانیا بودند. پرتغال هند شرقی را از دست داد، اسپانیا نتوانست هلند را از سلطه بر بازرگانی آسیا باز دارد. اسپانیا بعدا بخاطر گنجینه های های آمریکا ثروتمند شد، ولی صنایع ملی اسپانیا دارایی خود را از دست دادند. کالای مصنوع سایر کشورها مدام بیشتر به بنادر آمریکایی توسط بازرگانان هلندی و انگلیسی قاچاق شد. در ازای فروش این کالاها هلند و انگلیس قسمت اعظم طلا و نقره آمریکا را نصیب خود کردند. در حالی که ثروت اسپانیا متکی بود به متصرفات، غارت و معدن کاری در آمریکا، ثروت انگلیس و هلند متکی بود به بازرگانی برده و ادویه، قاچاق کالا و بانکداری به رغم تضعیف قدرت اسپانیا، امپراتوری ماورای بحار اسپانیا با وجود خصومت دیگر قدرتهای اروپایی همبسته ماند. برازیل پرتغال هم باقی ماند. تا قرن نوزدهم امپراتوری های اسپانیایی و پرتغالی آمریکا متلاشی نشدند.

۳: **گردش تولیدات غذایی در گستره جهانی**. انواع گونه گونه از تولیدات غذایی از یک قسمت از جهان به قسمت دیگر جهان جابجا می شد. از مناطق حاره ای هند غربی و هند شرقی مقادیر فزاینده ای از محصولات مستعمراتی به اروپا حمل میشد: شکر، برنج، کاکائو، توتون، از آمریکا که از آنجا بقیه جهان سبزیجات بسیار مهم وارد میکرد: سیب زمینی، ذرت، سیب زمینی شیرین و مانیوک ( گیاهی با ریشه ای بزرگ و نشاسه ای که از آن به دست میآید). کاشت سیب زمینی و ذرت در اروپا، مانیوک در آفریقا، و سیب زمینی شیرین در آفریقا معمول شد. حمل و نقل تولید مواد غذایی را در هر سه قاره دنیای قدیم افزایش داد. مانیوک آمریکایی در آفریقا چنان خوب بار داد که موجب افزایش جمعیت قاره، به رغم انتقال میلیونها برده به آمریکا شد. در آمریکا و آسیا کشت نارنج گونه ها بسیار خوب بود. گوسفند، مرغ خانگی، خوک، اسب و گاو که به آمریکا برده شد در آنجا بخوبی سازگار شدند.

۴: **جمعیت تغییر کرد**. توازن جمعیت در جهان برهم خورد. تا ۱۴۲۰ قاره ها با یک دیگر تماسی مختصر داشتند. زمانی که اروپایی ها اختلاط با آفریقایی ها آغاز کردند، بیماری مسری اروپایی و آسیایی در سراسر جهان شیوع یافت. در آن زمان هیچ کس علت آنرا نمی شناخت. بیماری های سرایت کننده بی تردید از مکانی در جهان به مکانی دیگر توسط حاملین اروپایی منتقل شده بود، بین سالهای ۱۴۹۳ تا ۱۶۴۵ میلیونها انسان از بیماریهای مسری مردند.

بیماریهای مسری در دنیای جدید بیش از هرکجای دیگر انسانها را کشت. در حالی که مردم اروپا، آفریقا و آسیا کم کم نوعی ایمنی در مقابل این یا آن باکتری یافته بودند، امریندین ها که از دیگر مردم جهان کاملا مجزا می زیستند، در مقابل باکتری های دنیای قدیم به هیچ وجه ایمن نبودند. به دنیای جدید مالاریا، تب زرد، آبله، سرخک، و آبله مرغان منتقل شد. به پیامد آن جمعیت

امریندی ها چنان کاهش یافت که هرگونه قیام گروهی علیه اروپاییان مهاجم را غیر ممکن ساخت. در منطقه حاره ای آفریقا، پرتغالی ها خیلی زود متوجه شدند که از هردو اقامت گزین سفید پوست لا اقل یکی در همان سال اول می میرد؛ احتمالاً از مالاریا. این بود که اروپای ها از زندگی در «گور سفید پوستان» برحذر ماندند. فقط برای به دست آوردن برده به آفریقا می رفتند. حدود ده درصد از برده های که در قسمت زیر صحنه ریخته می شدند، تا از آفریقا به آمریکا منتقل گردند، از بین رفتند. (درصد مرگ ناویان اروپایی پیش از این بود)

۵: **فوق العاده گی اقتصاد جهانی.** با انقلاب بازرگانی رشد اقتصاد جهانی نیز آغاز شد. اروپایی ها شکر آمریکایی را میخوردند، و برای ادویه و ابریشم آسیایی نقره آمریکایی پرداخت میکردند. در این فراگیری اقتصاد، اروپا بانک دار و سود برنده بود. آنچه در مراکز مالی و کسب اروپا روی میداد خوب یا بد، کمتر یا بیشتر بر مردم جهان اثر میگذاشت. منابع مثال یک سرمایه دار اروپایی درختان سرخ دار برزیلی را برید تا معدن نقره ای را استخراج کند، یا برای آنکه پوست گاوهای و نزویلابی را بفروشند، روش زندگی امریندی ها به ترتیبی تصور ناپذیر تغییر کرد، در آفریقا برده داری جدید- پر رونق ترین همه تجارت ها موجب جنگ بین ایلات مختلف شد. در اروپا شهرهای تجاری ثروتمند می شدند، یا ثروت خود را از دست میدادند، چون قیمت شکر یا فلز نوسان داشت. بازرگانان اروپایی مقداری کالای محلی عاج گینه ای، میخک زنگباری، مصنوعات لاک و الکی ژاپنی می خریدند و آن را در بازار نقد فروشی عرضه میداشتند. پیامد آن احتمالاً تحولی انقلابی در روابط طولانی بین ارباب و زارع، سلطان و بازرگانان، همچنین روحانی و عوام می بود. [http://sspp.iranjournals.ir/article\\_913.html](http://sspp.iranjournals.ir/article_913.html)

مصنوعات کار دست محلی، پارچه، و کالای دیگر دوردور جهان جابجا میشد. اروپایی ها پس از آنکه از بازرگانی ثروتمند شدند، کاغذ دیواری چینی بر دیوارهایشان آویختند، پشم و عاج حکاکی شده جمع آوری کردند، و لباس های خانه بلند اسلامی پوشیدند. تقاضا برای مرکب " هندی" و قلمکار و چینی محصول چین چنان افزایش یافت که در اروپا کارخانه های برای تولید کالای نظیر و عرضه به بازاری فزاینده تأسیس شد.

گسترش آگاهی در باره کره زمین. عهد گسترش موجب افزایش آگاهیها در باره سیاره زمین شد. مورخ آمریکایی بویه پنروز چنین نتیجه میگیرد.

... اکتشافات ... به آگاهی های بمراتب بیشتر در سطحی که نظیری نمی شناخت، منجر شد. نه فقط انسان به شناخت وسیعتری از خود کره زمین دست یافت، بلکه در زمینه های دیگری چون گیاه شناسی، جانورشناسی، شیمی و پزشکی... بر آگاهی هایش بسیار افزوده شد، در باره سیارات، حیوانات و دیگر فرآورده های طبیعی، نو یافتند. با تمامی این پیشرفتها، برداشت محدود از تاریخ و جغرافیا... راهی بود برای علاقه همه گیر و واقعی به تمدن بطور کلی... به درک نا محدود افق گسترده دنیا.

۶: **استعمار دنیای جدید.** آمریکایی ها پیش از آفریقای ها و آسیایی ها فشار رویه های خشن اروپای را احساس کردند. عصر سنگ به یکباره زیر وزن عصر آهن با به کارگیری ابزارهای چون قلاب ماهیگیری، تفنگ، چرخ، ماشین چاپ نابود شد. مهمتر آنکه در بلند مدت دانش فنی اروپایی دیدگاه غربی از زندگی را به آمریکا همراه بود. آمریکای های شمالی و جنوبی هنوز مالکیت خصوصی، مأموران حکومتی، کلیسای مسیحی، و هنر آزاد را وسایل تثبیت کننده می شناختند. اسپانیایی ها و پرتغالی ها بیش از دیگر استعمارگران نفوذ پایدار داشتند. چون زبان خود را دین خود را و روش زندگی خود را به جمعیت مخلوط و عظیمی که وارث سه فرهنگ بودند، قبولانند. در آمریکای لاتین فرهنگ امریندی ها بجای آنکه به کل نیست شود (آنگونه که در کانادا و ایالات متحده شد)، باقی ماند و با فرهنگ اسپانیا یا پرتغال ممزوج شد. <https://farsi.khamenei.ir/others-article?id=9214>

بدین علت بارزترین پیامد عهد اکتشافات، اقامت گزینی مردمان سفید پوست و سیاه پوست در نیم کره غربی بود. در سراسر منطقه از آرژانتین تا کانادا، ملت های نو با اجتماعات چند نژادی پیدا شدند. تحمیل بردگی به آفریقای ها در دنیای نو پیامد کوتاه مدتش ثروتمند شدن اروپا بود. لکن در عین حال بذر درگیریهای نژادی را منسوخ کرد، پیامد ظلمی است که اثر آن پایدار ماند؛ جوانه تازه ایست از تأثیرگذارهای عهد اکتشافات و انقلاب بازرگانی.

## نتیجه گیری

عصر اکتشافات را در واقع میتوان مرحله گذار جامعه اروپایی از نظام سنتی به نظام مدرن دانست که اروپایی ها را قادر به تصرف سرزمین ها و توسعه بازرگانی با نقاط مختلف جهان نمود که آنان توانستند با تامین ارتباطات با نقاط ناشناخته زمین و کشف خشکی های بزرگ، ثروت ها و منابع طبیعی هنگفت را به تاراج برده پایه ها و بنیادهای اقتصادی دولت های خود را متین و استوار سازند.

از لابلای تحقیق روی این عنوان بر می آید که آنچه که عامل و علت اساسی اکتشافات بوده و بستر مناسبی برای شکل گیری تیم های اکتشافی و جریانهای به اهداف اکتشافات گردیده است رنسانس و بیداری عمومی بود که خاستگاه آن ایتالیا پنداشته میشود، در حقیقت این بیداری عمومی حیثیت یک چتر کلانی را دارا است که زیر گزینه های همانند عوامل اقتصادی، دینی، سیاسی و انسانی را نیز در قبال دارد که هر یک از این عوامل به سهم خویش در تحرک و انگیزده دهی مکتشفین و دستگاه های سیاسی که نقش حمایتی را داشت و تسهیل کننده یی سفرها، تامین کننده یی تدارکات تیم های اکتشافی و فرآیند اکتشافات بوده اند.

شعار اکتشافات ( طلا، پیروزی و خدا) بوده بدین ترتیب میتوان گفت عوامل مهم اکتشافات در شعار مذکور به خوبی متجلی است. طلا در واقع بازگو کننده همان عامل اقتصادی، پیروزی هم بیانگر عامل انسانی و ماجراجویانه و داعیه خدا نیز مبین عامل دینی و مذهبی اکتشافات است. اکتشافات در کوتاه مدت و در دراز مدت پیامدهای سیاسی را در پی داشت که جهان تا کنون متأثر از آن است.

پیامد سیاسی اکتشافات را در کوتاه مدت میتوان شکل گیری استعمار و اشغال سرزمین های مکتشفه و در دراز مدت وقوع و ظهور جنگ های بزرگ و خانمانسوز جهانی که به دلیل ظهور تضاد منافع میان کشورهای استعمارگر و قدرت های بزرگ جهانی که در پی همین اکتشافات از اثر تاراج منابع زیر زمینی نقاط مختلف جهان طماع و حریص گردیده بودند، دانست که تبعات منفی و اثرات ناگوار آن هنوز نیز دامنگیر جامعه بشری است.

## منابع و مأخذ

- ۱- آرمستو، فلیپه فرناندس. (۱۳۹۳). **تاریخ جهان**، مترجم، شهربانو صارمی، تهران: ققنوس.
- ۲- رابرتس، جان موریس. (۱۳۹۵). **تاریخ تحلیلی جهان**، مترجم، منوچهر شادان، تهران: انتشارات بهجت.
- ۳- گروهی از نویسندگان. (۱۳۸۶). **تاریخ جهان جلد اول**، مترجم، عبدالرحمن صدریه، تهران: فردوس.
- ۴- لیتل فیلد، هنری ویلسون. (۱۳۸۸). **تاریخ اروپا از ۱۸۱۵ به بعد**، مترجم، فریده قرچه داغی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- ناردو، دان. (۱۳۸۶). **عصراستعمارگری**، مترجم، مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- ۶- نهرو، جواهر لعل. (۱۳۸۸). **نگاهی به تاریخ جهان**، مترجم، محمود تفضلی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۷- هارمن، کریس. (۱۳۸۶). **تاریخ جهان**، مترجم، پرویز بابایی و جمشید نوایی، تهران: انتشارات نگاه.
- ۸- هراری، نوح. (۱۳۹۷). **انسان خردمند، تاریخ مختصر بشر**، مترجم، نیک گرگین، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۹- <https://farsi.khamenei.ir/others-article?id=9214>
- ۱۰- [http://sspp.iranjournals.ir/article\\_913.html](http://sspp.iranjournals.ir/article_913.html)
- ۱۱- <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/26187>
- ۱۲- <https://fa.eferrit.com/%D8%B3%D9%81%D8%B1-%D8%AF%D9%88%D9%85-%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D8>